



بررسی وضعیت سیاسی عراق و حجاز بعد از شهادت امام حسین

خدیجه درزاده^۱ فاطمه دهانی^۲

مقدمه:

معاویه بن ابی سفیان بعد از آنکه توانست طی صلح نامه ای با امام حسن به عنوان خلیفه مسلمین برسد، زمینه را برای قدرت گیری خاندان خود به شکل گسترده آماده نمود. بر طبق صلح نامه که بین امام و معاویه منعقد شده بود قرار بر آن بود که معاویه برای خود جانشینی انتخاب نکند و تعیین خلیفه را بر عهده شورای بزرگان قرار دهد، ولی معاویه برخلاف صلح نامه فرزند خود یزید را به عنوان جانشین انتخاب نمود و حکومت را در خاندان بنی امیه مورثی نمود، به محض آنکه یزید به حکومت رسید مخالفت های از طرف بزرگان و اعیان و اشراف عرب با وی شد از جمله این مخالفین می توان به امام حسین علیه السلام رهبر شیعیان جهان، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر بن خطاب اشاره نمود. سه شخص یاد شده از بیعت با وی خود داری کردند و امام حسین علیه السلام به قصد قیام و احیای امر و معروف و نهی از منکر به سال ۶۱ق. به سمت کوفه حرکت نمود ولی در دشت کربلا به دست سپاهیان یزید که تحت فرماندهی عمر بن سعد ابی وقاص بود به شهادت رسید و شهادت ایشان سر منشا بسیاری از تحولات گردید.

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده:

امام حسین علیه السلام بعد از آنکه معاویه فرزند خود را به عنوان جانشین انتخاب نمود علم مخالفت با این انتخاب را برافراشت زیرا ایشان بر این باور بودند که انتخاب یزید برخلاف صلح نامه بین امام حسن و معاویه بوده است. امام حسین (ع) بنا به دعوت مردم شهر کوفه از مدینه به مکه و از مکه به کوفه حرکت نمود تا با پشتیبانی مردم کوفه علیه یزید بن معاویه دست به قیام بزند و جامعه شیعه بعد از امام علی (ع) مجدداً احیا شود ولی در محرم سال ۶۱ ق. در دشت کربلا به وسیله سپاه یزید به شهادت رسیدند. شهادت امام حسین (ع) موجب تحولاتی در دو بخش از جهان اسلام گردید. بسیاری از این تحولات در فاصله اندکی بعد از شهادت امام حسین رخ دادند از جمله واقعه حره و حمله به بیت الحرام توسط سپاهیان یزید. تحولات عراق بعد از مرگ یزید رخ داد، بدین صورت که بعد از مرگ یزید اهالی کوفه والی اموی را برکنار کردند و با والی عبدالله بن زبیر بیعت کردند و زمینه را برای نفوذ زبیریان فراهم نمودند. شیعیان عراق علی الخصوص شیعیان کوفه که خود را به نوعی مقصر در واقعه کربلا می دانستند خود را توابع نامیدند و قصد خود را خونخواهی از قاتلین امام حسین اعلام نمودند بعد از سرکوب آنان مختار ثقفی امور قیام علیه قاتلین امام حسین را برافراشت و به خونخواهی امام تمام قاتلین را از دم تیغ گذراند. در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش کتابخانه ای به بررسی وضعیت عراق و عربستان در فاصله شهادت امام حسین (ع) و قیام مختار ثقفی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع) یزید بن معاویه، واقعه حره، قیام توابع، قیام مختار ثقفی

پیشینه تحقیق:

در مورد تحقیق حاضر تاکنون پژوهشی مستقل انجام نگرفته ولی در مورد قیام امام حسین و وقایع قبل و بعد از آن می توان به موارد زیر اشاره نمود. کتاب تاریخ اسلام جعفر شهیدی نویسنده در این کتاب از وضعیت جغرافیایی عربستان و دوران جوانی و پیامبری حضرت محمد (ص) و همچنین سقیفه بنی ساعده، دوران خلفای راشدین، دوران خلافت معاویه بن ابی سفیان و خلافت یزید و واقعه کربلا صحبت کرده است. مقاله بررسی دلایل عدم موفقیت مسلم بن عقیل در کوفه

نوشته سید امین شفیع پور، فاطمه دهانی، نویسندگان در این مقاله به وضعیت سیاسی عصر امام حسین و همچنین به وضعیت شهرکوفه در دوران حضور مسلم بن عقیل پرداخته اند.

در آمدی بر وضعیت سیاسی عصر امام حسین(ع)

بعد از مرگ معاویه ابن ابی سفیان در سال ۶۰ ق. بر خلاف صلح نامه ایی که بین امام حسن و معاویه بسته شده بود یزید بن معاویه از طرف پدر زمام امور مسلمین را به دست گرفت و سر آغاز حکومت سلطنتی در جهان اسلام شد. یزید بعد از آنکه بر اریکه قدرت نشست سعی نمود که برای خود از تمامی مسلمین بیعت بگیرد. وی در ابتدا از اهالی شام، و سپس سعی نمود در سایر قسمت های جهان اسلام از جمله حجاز از سرمداران دین اسلام برای مشروعیت حکومت خود بیعت بگیرد. به همین خاطر ضمن فرستادن نامه ای به ولید ابن عتبه وی را از مرگ معاویه با خبر و همچنین از وی در خواست کرد که از سه شخصیت مهم مدینه برای خود بیعت بگیرد. این سه شخصیت عبارت بودند از: امام حسین (ع) که بعد از امام حسن (ع) زمام امور شیعه را به دست گرفته بود. عبدالله بن عمر پسر خلیفه دوم که بعد از مرگ پدر در مدینه سکونت گزیده بود و از میدان سیاست جدا شده بود، عبدالله بن زبیر وی فرزند ارشد زبیر بود که بعد از جنگ جمل در مدینه سکونت اختیار کرده بود و همیشه در سودای خلافت به سر می برد. یزید در نامه خود به ولید اختیار داده بود در صورتی که هر کدام از این شخصیت از بیعت با وی خود داری کردند آنان را به قتل برساند و سر آن شخص را به دارالخلافه شام بفرست عبدالله بن عمر بیعت با یزید را به تاخیر انداخت ولی امام حسین و عبدالله بن زبیر از پذیرش بیعت خود داری کردند (دینوری، ۱۳۳۸: ۲۲، یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۲۴۱). امام قبل از آنکه مدینه را ترک کند با بردار خود محمد بن حنفیه ملاقت نمود. در این ملاقات محمد بن حنفیه وی را از بیعت با یزید بن معاویه بر حذر داشت و به امام فرمود که برای خود افرادی جمع کند که در موقع مناسب دست به اقداماتی بزنند، امام به برادر خود چنین گفت که وی نیز قصد همین کار را دارد ولی به دلیل تعداد امویان در مدینه بیش از اندازه هست انجام چنین عملی فقط در مکه امکان پذیر می باشد، به همین خاطر تصمیم بر ترک مدینه گرفتم. (ابن شهر آشوب، ج ۴، بی تا: ۸۹). از دیگر مخالفان یزید بن معاویه عبدالله بن زبیر بود. حاکم مدینه در چندین نوبت کسانی را به نزد وی فرستاد که به دارالاماره رود منتها وی رفتن به دارالاماره را به تاخیر می انداخت تا اینکه شبانه مدینه را به مانند امام حسین به قصد مکه ترک نمود. والی اموی در باطن از رفتن این دو شخصیت خشنود و خوشحال بود ولی برای حفظ ظاهر اقدام به دستگیری عده ای از طرفداران ابن زبیر نمود. (کوفی، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۳) بعد از چند روز که امام در مکه بودند مردم عراق علی الخصوص مردم و بزرگان کوفه برای امام نامه نوشتند که آماده بیعت با او هستند در ابتدا امام جوابی ندادند. ولی وقتی که با سیل نامه ها رو به رو شدند برای اطمینان از درستی بیعت مردم کوفه امام مسلم

بن عقیل را به سوی مردم عراق روانه کرد وقتی مسلم بن عقیل به کوفه رسید مردم نزد وی رفتند و با او بیعت کردند و پیمان و قرار نهادند و اطمینان دادند که یاور و پیرو امام هستند بعد از آن مسلم بن عقیل در پی نامه ایی از امام خواست که مکه را به قصد کوفه ترک نماید و هر چه سریع تر به کوفه بیاید زیرا که جامعه شیعی کوفه آماده بیعت با وی می باشد به محض وصول نامه ای مسلم امام مکه را به قصد کوفه ترک نمود در بین راه امام از خبر شهادت مسلم بن عقیل خبر یافت با این حال به مقصد خود ادامه داد یزید به معاویه خلیفه وقت برای جلوگیری از قیام امام حسین (ع) عبید الله ابن زیاد را به عمارت کوفه منصوب نمود . عبیدالله به محض این که به امارت کوفه رسید عمر ابن سعد ابی وقاص را با لشکری جهت مقابله با امام فرستاد عمر همراه با لشکر خود به دشت نینوا رسید و او راه را بر امام حسین بست بعد از چند روز محاصره سرانجام در ۱۰هـ.ق. جنگ بین عمر سعد و امام حسین در گرفت که در جریان جنگ امام با ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسید. بعد از شهادت امام حسین اوضاع جهان اسلام علی الخصوص شهرهای کوفه، شام، مدینه و مکه دوچار دست خوش تحولاتی گردید. (یعقوبی ، ج ۲ ، ۱۳۲۷: ۱۷۸)

بررسی وضعیت شهر کوفه

کوفه به عنوان شهری نظامی در سال ۱۷ق به دستور دومین خلیفه مسلمین حضرت عمر (رض) ساخته شد و قبیله های مختلف با فرهنگ های مختلف از مکان های متفاوت گرد هم در آمدند کوفه شهری نوپدید ، فاقد هویت تاریخی و پر خطر بود که ساکنان یک دست و یک دل و هماهنگ نداشت (طبری، ۱۳۶۹، ج۳: ۱۴۴-۱۴۵) در کوفه اقوام عرب ، فارس، نبط و سریانی زندگی می کردند . قبایل عرب عبارت بودند از قبیله های یمنی، شامل قضاعه، غسان ، بجیله، خثعم، کنده، حضرموت، ازد، مذحج، همدان و نخع . قبایل عدنانی ، شامل دو خاندان تمیم و بنی نصر می شد. برخی از خاندان های قبیله بنبکر عبارت بودند از: بن اسد ، غطفان ، محارب و نمیر . قبیل های عرب دیگر شامل کنانه ، جدیله ، ضبیعه ، عبد قیس ، تغلب ، ایاد ، طی، ثقیب، عامرو مزینه نیز در این شهر سکونت داشتند. در کوفه روح قبیل گری حاکم بود و هر قبیله در محل های مشخص سکونت داشت و کسی جز هم پیمان های آن ها نمی توانست در آنجا ساکن شود، چنانکه هر قبیله ، مسجد و گورستان مخصوصی داشت ، همچنین شامل مسلمان(با فرق های گوناگون) ، مسیحیان و یهودیان بود. (قریشی ، ۱۳۵۱، ج۲: ۴۳۲-۴۴۵)همچنین برای به دست آوردن آمار درست جمعیت کوفه در زمان قیام امام حسین (ع) نمی توان به آمار های مربوط به سالهای قبل اکتفا کرد ، به دلیل این که بعد از شهادت امام علی (ع) وقتی زیاد بن ابیه (۵۳ق) در سال پنجاه از طرف معاویه والی کوفه شد ، شیعیان را به شدت آزار و شکنجه کرد و آن ها را حتی اگر در زیر سنگ ها هم پنهان شده بودند بیرون می کشید دست و پاهایشان را قطع می کرد آهن داغ در چشمانشان می ریخته و آن

ها را کور می کرد و می کشت به گونه ایی که هیچ شیعه معروف و سرشناسی باقی نماند. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۷) بنابراین برای به دست آوردن تعداد جمعیت کوفه در زمان قیام عاشورا باید به آمار های همان زمان توجه کرد بنا براین با توجه به این که جمعیت کوفه طرفدار امام نبودند می توان گفت اعم از جنگجو و غیر جنگجو و زن و مرد و کودک حدود ۱۵۰ هزار نفر بوده است (شیخ مفید ، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۹) مردم کوفه مردمانی با تعصب و حساسیت های قبیله ایی فراوان بودند و اگر نفع یا ضرری بود قبیله ها با هم رقابت می کردند تا از هم عقب نمانند به عبارت دیگر تعصبات قبیله ها آنان را مردمانی عجول ساخته بود که نمی توانستند با درایت و تعمق تصمیم بگیرند و در نتیجه ، دچار لغزش های مهلک می شدند .به طور کلی می توان گفت ، تعصبات قبیله ها مانع پیمان و اتحاد اجتماعی است و اگر اتحادی پدید آید، شکننده است، شهری که ترکیبی ناهماهنگ دارد. هر آن ممکن است یک دسته جو حاکم را تغییر داده، اجتماع را به سمت و سوی دیگر بکشاند . همچنین ویژگی دیگر مردمان نظامی و کسانی که سلاح در اختیار دارند. سرکشی زود هنگام آنها در برابر هم است و این امر ،اختصاص به مردم کوفه ندارد. بعد از بیعت گسترده کوفیان با مسلم بن عقیل ، چند نفر از وابستگان حکومت اموی طی نامه هایی به یزد اطلاع دادند که نعمان بن بشیر توان اداره شهر را ندارد و از او خواستند که شخصی قوی را به حکومت کوفه بگمارد. (طبری ، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۵۶) یزید با آگاهی از روحیه مردم کوفه عبیدالله بن زیاد والی بصره را با حفظ سمت پیشین به سمت والی کوفه در آورد و عبیدالله بن زیاد با به کار گیری سیاست زر و زور و تزویر ، شعله های انقلاب کوفه را در نطفه خفه کرد ، مسلم بن عقیل را کشت و فضای سیاسی ، اجتماعی کوفه را چنان دگرگون کرد که از مردم کوفه ، سپاهی انبوه به کربلا فرستاد و حادثه خونین عاشورا را پدید آورد.(ابن اعثم کوفی ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۶)

بررسی وضعیت شهر بصره

شهر بصره شهری است که در سال شانزدهم هجری قمری به دستور عمر و به وسیله ی عتبه بن غزوان ساخته شد. جمعیت بصره حدود سی و پنج هزار نفر در آن زندگی می کردند. بافت جمعیتی شهر بصره عبارت بود از مسیحیانی که حدود شش هزار نفر بودند و فارس ها که آن ها نیز حدود شش هزار نفر از جمعیت شهر را تشکیل می دادند ، بقیه جمعیت بصره تشکیل شده از اعرابی بود که عده کثیری از آنها عثمانی مذهب بودند، هر چند عده قلیلی از شیعه مذهبان و نژاد ترک نیز در بافت جمعیتی بصره وجود داشته اند. جمعیت بصره از پنج قبیله مهم تشکیل می شد که عبارت اند از :

۱-بکر بن وائل که در مرکز و بخش شرقی بصره ودر محل البطنیه و الزابوقه زندگی می کردند.

۲-قبیله عبد القیس ، که در شرق و شمال در محلی در نزدیکی البورت اسکان داشتند و عده کثیری از آن ها شیعه بودند.

۳- بنی تمیم، که در غرب و جنوب غربی این شهر و در منطقه ای از مرید تا جامع زندگی می کردند.

۴- قبیله ازد، که در شمال غربی و در منطقه حدان و هداد زندگی می کردند.

۵- اهل العالیه، که افراد آن متشکل از قبائل بنی قیس و قریش و کنانه و بجیل و خثعم و مزینه و اسد بودند که در بخش مرکزی

شهر و در بین الجامع و البطینیه زندگی می کردند. (شارل پلا، ۱۳۶۳: ۵۷-۶۸)

وضعیت شهر بصره از دوران امام علی (ع) تا دوران امام حسین (ع)

در سال ۳۵ق مالک بن حارث نخعی و مالک اشتر با دویست نفر از اهالی کوفه و حکیم بن جبلة عبدی با صد نفر از اهالی بصره و عبد الرحمن بن عدیس بلوی با سیصد نفر از اهالی مصر برای اعتراض به عملکرد عثمان و حکام او به سمت مدینه حرکت کردند و در محلی به نام ذی خشب مستقر شدند و قتیئ عثمان از ورود شورشیان آگاه میشود حضرت علی (ع) را به نزد آن ها می فرستد و شورشیان با وساطت حضرت علی منصرف می شوند و به بلاد خویش بر می گردند. ولی در نهایت نتیجه این حرکت به قتل عثمان حاتمه یافت (طبری، ۱۳۶۹، ج ۳: ۴۰۲) زمانی که عایشه برای مردم بصره برای شرکت در جنگ جمل دعوتنامه می فرستد قبیله بنی سعد از یاری و کمک رساندن به عایشه خود داری می کنند و به منطقه الحجا که در دو فرسخی بصره بود کوچیدند. مهم تر این که احنف بن قیس به امام نام می نویسد که ایشان را همراهی کنند یا عقب بکشند در هر صورت ایشان صلاح بدانند. که در نهایت به دستور امام از شرکت در جنگ خود داری کردند. (همان، ج ۳: ۵۱۱) همچنین مردم بصره در واقعه جمل (۳۶ یا ۳۵ق) وقتی طلحه و زبیر به بصره نزدیک شدند عثمان بن حنیف با استفاده از هفتصد نفر که عمدتاً از قبیله ربیعیه بودند سپاهی تشکیل داد و حکیم بن جبلة العبدی و بکر بن وائل را به فرماندهی انتخاب کردند و به طرف آن ها رفتند. این لشکر در الزابوقه با سپاه عایشه برخورد کردند. بین دو جبهه جنگی سخت شعله ور شد در این جنگ حکیم بن جبلة می گفت اللهم اشهد، اللهم اشهد. و می گفت هر کس در جنگ با طلحه و زبیر شک و تردید دارد برگردد زیرا او هیچ تردیدی ندارد (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۱۸) همچنین مردم بصره بعد از ماجرای سقیفه نیز امام در بصره یارانی داشت که بعد از قتل عثمان و بیعت مهاجر و انصار با علی (ع) به شیعه علی (ع) مشهور بودند (الخیر، ۱۳۵۷: ۳۷) در جنگ صفین زمانی که امام از بصره به سوی کوفه حرکت کرد عده ای از بزرگان بصره به سمت کوفه حرکت کردند بزرگان بصره از جمله احنف بن قیس و جاریه بن قدایه و حارث بن زید و زید بن جبلة و اعین بن ضبیعه با عده زیادی از اشراف بنی تمیم همراه امام بودند؛ همچنین بن قیس به امام گفتند: ای امیر المومنین اگر بنی سعد در جنگ جمل شما را یاری نکردند با دشمن شما هم همراه نبودند... ای امیر المومنین بستگان ما در بصره زندگی می کنند، اگر ما را به سوی آن ها بفرستی

عده زیادی از آنها همگام با ما به یاری شما خواهند آمد و کوتاهی گذشته خود را جبران می کنند که امام دستور می دهند نامه ای به آن ها بنویسند و آن ها را به قیام علیه معاویه دعوت می کند و آن ها نیز به دستور امام عمل می کنند و اکثر اهالی بصره به قصد یاری رساندن به امام به کوفه می آیند. (مجلسی، ۱۴۰۰: ۳۰۶) مردم بصره در زمان صلح امام حسین با معاویه، بعد از صلح سلیمان بن سرد خدمت امام می رسید و می فرماید: صلح شما باعث تعجب ما شده است چرا که چهل هزار جنگجو از اهل کوفه و جمعی از شیعیان بصره با شما بودند. (مجلسی، ۱۴۰۰: ۱۲۳) از طرف دیگر بعد از صلح امام حسن (ع) عده زیادی از شیعیان شهر های مدینه و مکه و یمن صلح را نپذیرفتند و نزد محمد بن حنفیه رفتند و با او دست بیعت دادند ایشان نیز برای شهر های مختلف نماینده تعیین کرد؛ از این رو شیعیان شهر های مذکور نظام اموی را تاب نیاوردند و علیه آنان دست به قیام زدند. (دینوری، ۱۳۶۶: ج ۲: ۱۳۱) مردم بصره مرتباً از اطاعت امویان سرباز زدند تا این که در سال ۴۵ ق زیاد بن ابیه والی بصره شد و کشتار فجیعی بین شیعیان به راه انداخت و مجدداً بصره را به حکومت امویان برگرداند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۷۷۲) حاکمان بصره در زمان قیام امام حسین (ع) راه های خروجی شهر را به شدت تحت کنترل قرار داده بودند و از خروج مردم بصره ممانعت می کردند (طبری، ۱۳۷۴: ج ۴: ۲۶۵) اما هوشیاری و بیداری مردم بصره که از زمان امامت امام حسن (ع) تا دوره ولایت و امامت امام حسین (ع) همچنان ادامه داشت و عده زیادی از مردم بصره به پیشواز امام در واقعه کربلا شتافتند. همچنین زمانی که امام نامه های مردم کوفه را دریافت کرد و در سال ۶۰ ق رهسپار عراق شد، عده ای از اهالی مکه و حجاز و جمعی از اهالی بصره امام را همراهی می کردند از جمله یزید بن بشیط و فرزندان عبدالله و... از آن جمله اند. (منصوری، ۱۳۷۸: ۴۱)

بررسی وضعیت شهر مدینه بعد از شهادت امام حسین (ع)

سرزمین یثرب که با حضور پیامبر اکرم مدینیتی نوین یافته بود از همان آغاز به مدینه النبی مشهور شد (حموی، ۱۳۵۷: ۴۳۰)، همچنین با محوریت رسول خدا (ص) و قانونی که آن حضرت به آن جا هدیه داده بود شکل و شمایلی جدید پیدا کرد و برای دفاع از هجمه ها و نا آرامی ها آماده شد. مدینه با آمدن رسول اکرم (ص) در معرض تهاجم های پیاپی مشرکان مکه قرار گرفت، مکیانی که از دیر باز در رقابت با آن ها بوده اند، رقابت عدنانیان و قحطانیان یا اعراب شمالی و جنوبی. پیشرفت اسلام در مدینه و اقتدار سیاسی آنان به همراه پیروزی هایی که در میدان نبرد علیه مشرکان به دست آوردند، در زمانی کوتاه مکیان را با خود همراه کرد و این برای برخی از عربان مکه شکستی به شمار می آمد که می بایست به جبران آن اندیشه کنند. رحلت پیامبر (ص) فرصت مناسبی برای آنان بود تا به بهانه شایستگی و ضرورت امارت قریش (بلاذری، ۱۳۷۴: ج ۱: ۵۸۲) انصار را از صحنه سیاسی کنار نهاده و در حد وزیران و مشاوران پذیرا باشند (بغدادی، ۱۳۶۷: ج ۲: ۲۶۹، ج ۳: ۱۸۲) و این گونه قریش را هم چون زمان های گذشته، به سروری

مدینه با امویان و کار گزاران خلیفه ، بدیهی بود که خشم یزید را بر انگیزد و وی برای چاره جویی یا گوشمالی مردم مدینه وارد صحنه سازد و چنین شد.

بررسی واقعه حره

واقعه حره از جنایات فجیع و بزرگ امویان ، بعد از به شهادت رساندن سالار شهیدان است .این واقعه در سال بیست و ششم یا بیست و هفتم ذی حجه سال ۶۳ق. اتفاق افتاد که به وسیله سپاه شام مردم مدینه به خاک و خون کشیده شدند. بنابراین وقتی خبر شورش مردم مدینه از طرف مروان بن حکم که از بزرگان اموی مدینه بود ، به شام رسید، یزید به شدت خشمگین و آشفته شد (اصفهانی ، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۵) و در مقام چاره جویی و یافتن راهی برای یاری امویان مدینه بر آمد.او ابتدا از عمرو بن سعید که پیش از این تولیت آن دیار را بر عهده داشت ، خواست تا وارد این عرصه شده و فرماندهی سپاه را به عهده بگیرد ، اما وی با بیان کردن خدمات خود، از یزید خواست تا او را از کشتن قریشیان معذور بدارد . همچنین عبدالله بن زیاد هم با بیان آن چه در کربلا و با خاندان رسول انجام داده بود ، از پذیرش این امر اعتذار جست (طبری ، ۱۳۷۵، ج ۵ ، ۴۸۵، ابن کثیر ، ۱۳۸۴، ج ۸ ، ۲۲۰) برخی از فردی به نام صخر بن ابی جهم نیز یاد می کنند که برای این کار نشان شده بود، اما بیش از حرکت اجلش فرا رسید . یزید بعد از نا امید شدن از این اشخاص به سراغ مسلم بن عقبه رفت؛ فردی که پیش از این معاویه او را به عنوان فردی خیر خواه به یزید توصیه کرده بود.(ابن کثیر ، ۱۳۸۴، ج ۸: ۲۲۲-۲۲۳) اراده یزید خیر خواهانی را به میانجی گری کشاند تا شاید او را از مواجهه با مردم مدینه باز دارند؛ نعمان بن بشیر ، برادر مادری عبدالله بن حنظله و عبد الله بن جعفر بن ابی طالب ، اما نتیجه ایی حاصل نشد، چون پیشنهاد نخست از سوی یزید رد شد و نظر دومی گر چه یزید را تا حدی متقاعد کرد، اما از سوی مردم مدینه مقبول واقع نشد .(هاشمی بصری ، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۶۳) در نهایت سپاه یزید به فرماندهی مسلم به سوی مدینه راه افتاد مردم مدینه وقتی از این حرکت آگاهی یافتند ، برای مقابله با آنان از تاکتیک هایی بهره گرفتند که برخی از آن ها به جهت سابقه تاریخی از رنگ دینی نیز بهره داشت؛ کندن خندق در بخش های قابل نفوذ اطراف شهر؛ یعنی همان جاهایی که در نبرد احزاب کنده شده بود کشیدن دیوار بلند در بخش هایی از شهر و نیز مسموم سازی چاه های بیرون مدینه که در مسیر راه سپاهیان قرار داشت، هر چند بارش باران و بهره گیری شامیان از آب ، عملاً اقدام مردم مدینه را حنثی کرد .(مسکویه راضی ، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۰۶) مسلم بن عقبه با سپاهی بزرگ به سمت مدینه حرکت کرد در میان راه با امویان اخراج شده بر خورد کرد . بنابراین عده ای از آنان که متعهد شده بودند که با دشمن همکاری نکنند ، و حتی از ورود آنان به شهر خود داری کنند به همین دلیل تا حدی از همکاری با مسلم پرهیز کردند اما مروان که تدبیر امور رانده شدگان را به عهده داشت ، با خبر چینی و بیان آن چه رخ داده مسلم را بر ضد مردم مدینه تحریض کرد و با این که اکثر مردم به رفتن به شام

نظر داشتند، وی به همراهی با مسلم برخاست و حتی فرزندش عبدالمک را به همراهی با مسلم ترغیب کرد. مسلم نیز به پاس آن در نامه ای به یزید ضمن گزارش کار، از وی تشکر کرد (بلاذری، ۱۳۶۷ ج ۵: ۳۲۲) به پیشنهاد عبدالمک سپاه مسلم به پیش رفتند و طبعاً مردم مدینه چاره ایی جز مقابله با آنان را نداشتند مردم با تمام توان پایداری کرده و جلوی ورود سپاه مسلم به شهر را گرفتند اما خیانت بنی حارثه، یکی از قبایل ساکن مدینه، باعث شد مسلم از خندق بگذرد و وارد شهر شود هر چند افراد زیادی در این گذر گاه جان باختند. مسلم برابر فرمان یزید، به مردم مدینه سه روز مهلت داد تا دست از جنگ و جدال بردارند اما وقتی با مخالفت جدی آنان مواجه شد به ترغیب نیروهای خود پرداخت و برتری آنان را در هم کوبید (طبری، همان، ج ۵: ۴۸۴، طبری، ۱۳۷۵، ج ۷: ۳۱۱۰) شامیان با این نگاه که با غیر مسلمانان می جنگند به کشتار مردم دست زدند و بی هیچ رحم و شفقتی پیش رفتند و مسلم برابر آن چه فرمان یافته و صد البته خود نیز مشتاق آن بود شهر مدینه را به مدت سه روز بر سپاهیان خود مباح ساخت تا آن چه که می خواهند از اموال مردم مدینه بر دارند و هر کاری کا تمایل داشتند انجام دهند در این ایام عده زیادی را کشتند و اموال بسیاری را غارت کردند و خانه هایی را تخریب کردند به تعقیب افراد پرداخته و حتی شکم زنانی را دریده حرمت شمار زیادی از زنان و دختران را شکستند. (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۶۰) دسته ای از افراد مدینه را به اسارت گرفته و برخی را به حبس انداختند و حتی برای اعمال سختی بیشتر تا سه روز آنان را از غذا باز داشتند علاوه بر این ها پاره ای از سپاهیان با اسبان خود در مسجد نبی جولان دادند و بین منبر و قبر شریف را کثیف کردند و چون مردم از ترس پنهان شده بودند، سگان خود را به داخل مسجد بردند و آن مکان پاک را نجس و آلوده کردند. شامیان برای خاموش کردن خشم خود به هر کاری انجام می دادند و گاه دست به اقدامات روانی دست می زدند، چنان که ابو سعید خدری را که از چنگ شامیان رهایی یافته بود، ریش های دو طرف صورتش از بین رفته بود، وقتی علت آن را پرسیدند، گفت این از کارهای ستمکاران شامی در واقعه حره است که وارد خانه ام شدند و همه چیز را غارت کردند حتی ظرفی که با آن آب می خوردم بعد از آن گروهی دیر آمدند وقتی چیزی نیافتند از شدت خشم مرا از خانه بیرون آوردند و بر روی زمین انداختند و هر کس می آمد ریشم را می گرفت و می کند فقط آن قسمتی که بر روی خاک بود باقی ماند. (دینوری، ۱۳۶۶: ۲۶۹) همچنین مردی وارد خانه ابن ابی کبشه انصاری شد که در آن زنی وضع حمل کرده بود چون چیز پیدا نکرد، کودک را از آغوش زن بیرون آورده و به شدت به دیوار کوباند، به گونه ایی که مغزش بر زمین ریخت. به دلیل همین خشونت های رخ داده واقعه حره در تاریخ عرب بی مانند است و قومی هرگز به مانند آن چه انصار در این روز گرفتار آمدند، گرفتار نشدند. در این سه روز اذانی جز از مسجد رسول خدا (ص) بلند نمی شد. برای مسلم در داخل ورودی مسجد تختی گذاشته شده بود تا هر کسی که وارد آن می شد. به قتل برساند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۸۴: ۱۱۶) واقعه با کشتار مردم مدینه و غارت و هتک خاتمه نیافت، بلکه پس از آن، مسلم از مردم مدینه خواست تا به عنوان برده خالص یزید یا خول او که هر گونه ایی که خواست با آنان رفتار کند، بیعت

کنند (مسعودی ، ۱۳۷۴ ، ج ۲: ۷۵) و در این اقدام سخت گیرانه از هیچ کس چشم پوشی نکرد جز امام سجاد (ع) و علی بن عبدالله بن عباس مسلم حتی آنان که از جایگاه اجتماعی ، سیاسی یا دینی بهره داشتند نیز نگذشت و به بدترین شکل ممکن با آنان مواجه شد ، به گونه ای که شخصی چون مروان نتوانست رفتارش را نادیده بگیرد و لب به اعتراض گوشود هر چند با تهدید مسلم چاره ای جز سکوت نداشت . (طبری ، ۱۳۷۵ ، ج ۵: ۴۹۲) بدین گونه واقعه حرّه خاتمه یافت . شهدای حرّه را در همان محله دفن کردند که مزاری به همان نام تاکنون باقی است. گفته اند پیامبر (ص) پیشاپیش نسبت به دفن آنان در این مکان مطالبی فرموده و آنان را از یاران خود و مشمول رحمت الهی دانسته بود. (بیهقی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۰۷)

وضعیت شهر مکه

مکه از مناطق و آبادی های مهم سرزمین حجاز است و از قدمت بسیاری برخوردار است و از دیر باز مورد توجه ویژه ساکنان حجاز و دیگران قرار داشته و اهمیت آن بیش از هر چیزی به کعبه بوده است ولی اهمیت بیشتر آن از زمانی است که پیامبر (ص) در آن مبعوث شد و دین الهی را پایه گذاری کرد. (طبری ، ۱۳۵۲، ج ۱: ۸۲-۹۳) شهر مکه از روزی که پیامبر (ص) به پیامبری مبعوث شد تا هنگامی که آن حضرت از آنجا هجرت کرد در مبارزه و مواجهه خشم آلود با او به سر برد. به دلیل این که پیامبر تمامی آنچه را که عرب مکه بدان بند بود در هم ریخت و طراحی نو در افکند ، به ویژه در دو عرصه عقاید که به اندیشه گری و باورهای عرب مربوط می شد و روابط که به نوع تعامل انسان ها با یکدیگر ارتباط می یافت . (یعقوبی ، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۵۴) عرب ها که معمولاً دست سازه های خود را می پرستیدند و خواسته های خود را از این طریق بر آورده می کردند و از همین طریق مقاماتی را به وجود آورده و آیین و رسومی را وضع کرده بودند با آمدن پیامبر اکرم (ص) و آوردن دین جدید ، باید همه چیز خود را از دست داده و به خدای واحد ایمان بیاورند . این دگرگونی به ظاهر کوچک که تاریخچه تاریخی و نژادی عربان را از بین می برد و همه مردم را برابر و همگون می ساخت به مزاج عربان مکه خوش نیامد و روابط اجتماعی عربان مکه که از نظر سیاسی بر نظام قبیله ایی و ملوک الطوائفی استوار بود بیش از هر چیز در ستیز و نبرد و حداقل رقابتی کینه توزانه و سود محورانه با یک دیگر بود (خلدون ، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۸۶) در این میان دو طایفه بنی هاشم و بنی امیه ، از هر گروه دیگر بیشتر در مقابل هم در کشش و رقابت بودند و سرانجام این رقابت ها چنین شد که مکه در سال ۸ هجری مسلمان شد و پس از آن امیری از طرف پیامبر به آنجا گمارده شد ولی اسلام دیر هنگام این شهر که با پایان زندگی رسول خدا(ص) چندان فاصله نداشت از عمق و استواری بایسته ای برخوردار نشده به ویژه آن که در این دوره کوتاه باقی مانده از حیات پیامبر بیش از هر چیز جلوه اقتدار و مکتب بود نه سختی و محنت ، بنابراین نو مسلمانان که برخی از سران قوم نیز در آن بودند، بیشتر با رویه سروری و حکومت گری مسلمانان مواجه شدند که خود گمشده ای برای آنان بود. (عباسی ، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱)

۱۷) بعد از مرگ معاویه و قدرت یافتن یزید، جامعه اسلامی با چالش آشکار تری در ارتباط با مشروعیت حکومت مواجه شد. عدم بیعت دو شخصیت سرشناس با پسر معاویه (یزید)، مشخصه عمده آن این چالش بود.

عبدالله بن زبیر از جمله کسانی که با یزید بیعت نکرد و شبانه مدینه را به قصد مکه جهت زمینه سازی برای دستیابی به مسند قدرت ترک کرد. اما مردم مکه بعد از ورود امام حسین (ع)، افکار عمومی متوجه امام بود و از او استقبال چندانی نکردند به همین دلیل، ابن زبیر قلباً تمایلی به ادامه حضور امام در مکه نداشت. بعد از خروج امام همچنان در این شهر زمینه ای برای بسیج عمومی بر ضد حکومت یزید به رهبری ابن زبیر، به وجود نیامد، اما بعد از واقعه کربلا ابن زبیر از این موقعیت به دست آمده استفاده کرد، به ویژه که آثار عصیان و نارضایتی در مردم مدینه بیشتر از سایر شهرها مشهود بود. برای رسیدن به مسند قدرت نهایت استفاده را برد با این که او نیز از دشمنان سر سخت رسالت بود. متن گزارش طبری در این باره، چنین گفت:

«وقتی امام حسین علیه سلام به شهادت رسیدند، عبدالله بن زبیر میان مردم مکه به پا خاست و کشتن او را فاجعه دانست و به ویژه کوفیان را سرزنش می کرد و عموم عراقی ها را سرزنش می نمود و پس از ستایش و ثنای خداوند و درود فرستادن بر محمد (ص)، گفت: عراقی ها، جز اندکی از آن ها، مردمی نیرنگ باز و نادرست هستند و کوفیان بدترین مردم اند. آنان، حسین را دعوت کردند تا یاری اش کنند و او را برای حکومت بر خود بر گزینند؛ ولی هنگامی که بر آن ها وارد شد، بر ضد او شوریدند و به او گفتند: یا دستت را در دست ما می گذاری تا تو را بسته نزد پسر زیاد بن سمیه بفرستیم و او حکمش را درباره تو صادر کند و یا می جنگی. به خداوند سوگند، حسین دید که او و یارانش بسیار اندک اند و با آن که خداوند عزوجل، هیچ کس را برغیب، آگاه نکرده. همگی کشته خواهند شد؛ اما او مرگ با عزت را بر زندگی بر ذلت، ترجیح داد. خداوند، حسین را رحمت کند و قاتل حسین را بی پناه سازد. به جان خودم سوگند، در مخالفت کوفیان با حسین و نافرمانی شان از او، هیچ پند دهنده و باز دارنده ای بهتر [خود] او نبود؛ ولی آنچه قرار است بشود، می شود و خداوند، هر گاه چیزی را بخواهد، مانعی برای آن وجود ندارد. آیا پس از حسین (ع)، به چنان قومی اطمینان کنیم و گفتارشان را تصدیق نماییم و پیمانشان را بپذیریم؟ نه. هرگز آنان را شایسته چنین چیزی نمی بینم.

آری. به خدا سوگند، آنان حسین (ع) را کشتند، در حالی که شب زنده داری طولانی داشت و روزهای زیادی را روزه بود و شایسته ترین آنها به چیزی (حکومتی) بود که در دست آنان است و در دین و فضیلت، شایسته ترین آنها بود. هلا به خدا سوگند، حسین (ع) قرآن را به غنا تغییر نداده بود و گریه از خوف خدا را به آواز، بدل نکرده بود و روزه را با میخوارگی و حلقه های مجلسی ذکر را با دنبال شکار رفتن، عوض نساخته بود. و اینها کنایه به یزید بود... به زودی، آنان هلاک می شوند.» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۷۴)

بعد از این سخنرانی، یاران ابن زبیر از او خواستند که بیعت خود را آشکار کند و رسماً زمام حکومت را به دست بگیرد. اما به رغم

عصیان مردم مدینه و نارضایتی هایی که در حجاز و عراق مشاهده شده بود عبدالله بن زبیر همچنان از اعلان خلافت خویش و گرفتن بیعت علنی خود داری می نموده است . او که پیوسته در مکه پناه گرفته بود پس از سرکوبی مردم توسط حصین بن نمیر روبه رو گردید. سپاهیان حصین ، عبدالله بن زبیر و طرفدارانش را در مسجد الحرام محاصره کردند و کعبه را به منجنیق بستند.(طبری، ۱۳۸۶، ج۶: ۳۱) خوشبختی پسر عبدالله بن زبیر ، خبر مرگ یزید در خلال جنگ به مکه رسید و نه تنها او را از شکست و مرگ نجات داد، بلکه با مرگ یزید زمینه از هر جهت برای خلافت ابن زبیر فراهم گردید . مرگ یزید در شرایطی که بیزاری و گریز مردم از بنی امیه به اوج رسیده بود و عدم وجود مدعی شایسته و خوشنام و شناخته شده از بنی امیه برای خلافت ، راه را برای آوردن مردم به ابن زبیر هموار ساخته بود. در بصره عبیدالله بن زیاد از خشم مردم به حارث بن قیس رئیس ازدیان پناهنده شد و با کمک او فرار کرد.(دینوری، ۱۳۶۶ : ۲۸۲-۳۸۲) در کوفه مردم عمرو بن حرث نماینده عبیدالله را سنگ باران کردند (طبری، ۱۳۷۵، ج۵: ۴۲۵) درخراسان مردم بر مسلم بن زیاد برادر عبیدالله شوریدند و او نیز فرار کرد(بلازی، ۱۳۹۴، ج۵: ۴۷۳) و خود را به زبیر تسلیم کرد. در شام که پایه های حکومت بنی امیه از همه جا مستحکم تر بود، بیزاری مردم زمانی که معاویه بن یزید بعد از مرگ پدرش خطبه خواندگفت « ای مردم ما به شما و شما به ما گرفتار شده اید . و ما از بیزاری و بدگویی شما نسبت به خودمان بی اطلاع نیستیم) یعقوبی، ۱۳۶۶ ، ج ۲: ۵۵۲) در چنین شرایطی مردم از همه بلاد به جز اردن که در دست حارث بن بجدل کلبی بود به پسر زبیر روی آوردند و با او بیعت کردند(همان).

پسر زبیر به رغم موقعیت ممتازی که برایش به وجود آمده بود و با آن که هیچ کس چون او به اقبال همه جانبه مردم روبه رو نشد، نتوانست از موقعیت مذکور به خوبی بهره بگیرد . او اگر چه در خلا حاصل از مرگ یزید به قدرت رسید ، لکن در مدتی اندک با سوء تدبیر شرایط را برای قدرت گرفتن مروان فراهم ساخت و بعد از مروان پسر او عبد الملک با درایت و به سرعت دست تسلط و حاکمیت زبیریان را از مناطق مختلف محدود کرد ، تا سرانجام عبدالله بن زبیر را در مسجد الحرام که همچنان پناه گرفته بود توسط حجاج به محاصره افکنده به قتل رسانیده و با کشته شدن او دولت مستعجل آل زبیر پایان یافت.(بلاذری، ۱۳۶۴، ج۲: ۰۳)

قیام توابین از آغاز تا انجام

بعد از شهادت سیدالشهدا مردم کوفه و برخی بلاد دیگر روحیه پشیمانی در آنان ظاهر شد و ترس آنان از عذاب خدا خود را نمایان کرد زیرا آنان در یاری ندادن و تنها گذاشتن فرزند رسول خدا مرتکب گناه بزرگی شده بودند . آنان بدون دلیل خود را تبرئه می کردند؛ زیرا هنگامی که خداوند آن ها را به جهاد در کنار حضرت سید الشهداء مورد آزمایش قرارداد، او را اجابت نکردند و زندگی دنیا را ترجیح دادند و مستحق کیفر و ناخشنودی گشتند که هیچ کفاره ای بر گناهانشان وجود نداشت ، جز اینکه به خون خواهی امام

حسین به پا خیزند و قاتلانش را از بین ببرند این روحیه ای پشیمانی که در مردم به وجود آمده بود باعث به وجود آمدن قیام توابعین شد که اولین گرد همایی توابعین در سال ۶۱ق پس از شهادت امام حسین (ع) در خانه صحابی بزرگ امام علی (ع) سلیمان بن سرد خزاعی تشکیل شد که بیش از یکصد نفر از جنگجویان و بزرگان شیعه در آن شرکت کردند. (طبری، ۱۳۷۴، ج: ۴: ۴۲۶) در این گردهمایی تصمیم های مهمی گرفته شد که نشان از همبستگی و رشد سیاسی آنها داشت. این تصمیم ها عبارت بود از :

۱. انتخاب سلیمان بن سرد خزاعی به رهبری قیام و فرماندهی کل نیرو های مسلح، طرح نقشه سیاسی و نظامی ، و ارسال نامه به شیعیان جهت پیوستن به قیام؛

۲. پنهان نگهداشتن قیام و انجام امور به صورت مخفیانه برای جلوگیری از مطلع شدن حکومت؛

۳. جمع آوری اموال و کمک های شیعیان برای خریداری وسایل جنگی؛

۴. تعیین تاریخ معینی برای اعلام قیام (که تاریخ اول ربیع الثانی ۶۵ق بود تا در سالهای پیش از آن تاریخ، خود را برای جنگ آماده کنند) ؛

۵. انتخاب « نخیله» به عنوان مرکز اصلی تجمع انقلابیون و نقطه شروع قیام.

همچنین آنان « عبدالله تمیمی» را به عنوان مسئول جمع آوری اموال و کمک های مردمی منصوب کردند. قیام توابعین در روز اول ربیع الثانی سال ۶۵ق که از قبل بر آن توافق شده بود صورت گرفت سلیمان به حکم بن منقذ کندی و ولید بن عسیر کنانی دستور داد تا در خیابان های کوفه شعار یا لثارات الحسین را سر دهند این شعار مانند صاعقه بر فاسقان و مجرمانی که در کشتن امام حسین نقش داشتند ، فرود آمد و باعث شادی دل شیعیان شد . اولین جایی که توابعین در ابتدای مسیرشان به آنجا رفتند ، مرقد سرور آزادگان ، امام حسین بود. آنان در آنجا به شدت بر امام گریه کردند و به درگاه خداوند تضرع نمودند که از گناهشان در یاری ندادن ایشان بگذرد . (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج: ۳: ۳۴۰) سپاهیان توابعین در عین الورده اردو زدند . مدت زیادی نگذشته بود که سپاهیان شام به رهبری ابن مرجانه به آنجا می رسد و جنگ شدیدی بین آن ها اتفاق افتاد که سرانجام با جان فشانی های فراوان توابعین به شکست آن ها جنگ حاتمه می یابد . (مسعودی ، ۱۳۶۶ ج ۲، بی تا: ۹۳)

بررسی قیام مختار از آغاز تا انجام

مختار از هوا داران خاندان پیامبری بود و پدرش ابو عبیده ثقفی از سرداران مسلمانان که در واقعه پل [جسر] در نبرد با ایرانیان کشته شد. عمویش، سعد بن مسعودی که تربیت وی را بر عهده داشت، مدتی در دوره ی خلافت علی (ع) به حکومت مدائن رسید و هنگامی که او در جنگ خوارج به یاری علی برخاست، مدائن چندی به دست مختار بود. (زرین کوب، ۱۳۳۰: ۹۰) مختار در زمان خلافت بنی امیه با آن ها سرناسازگاری نشان داد. وقتی که مسلم به عقیل به کوفه آمد تا مقدمه ی خلافت را برای امام حسین (ع) آماده سازد، مسلم ابتدا در خانه ی مختار اسکان گزید. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۱۴-۱۱۸) ناسازگاری مختار با خلافت باعث زندانی شدن مختار شد. او در واقعه کربلا نیز در بند بود. بعد از آن عبدالله بن عمر شفاعت مختار را کرد و آزاد شد. بعد از آزادی شروع به جنبش ضد اموی کرد که مهم ترین جنبش بعد از عاشورای حسینی بود. (کمبریچ، ۱۳۶۳، ج ۴: ۳۷) توده های مردم شیعه به مختار اعتماد داشتن و از راستی ادعایش اطمینان داشتند و به رهبری او برای خونخواهی امام حسین راضی بودند دلیل این اطمینان به چند علت بود: ۱. ابتدا مسلم بن عقیل در خانه او ساکن شد که مختار جزء شیعیان مخلص نبود، مسلم در خانه او ساکن نمی گردید. ۲. ابن زیاد او را زندانی کرد و شکنجه داد، به طوری که پلک چشمش را پاره کرد. ۳. ابن حنفیه او را تایید نمود و با نوشتن نامه هایی به بزرگان شیعه در کوفه از او حمایت کرد. همچنین ابن حنفیه به ابراهیم بن مالک اشتر نامه نوشت و از او خواست مختار را یاری دهد. تمام این امور باعث شد که عموم مردم به مختار اعتماد کرده، و به او بپوندند. همچنین مختار در آغاز قیام از توابع باقی مانده خواست تا او را هموایی کنند بنابراین توابع گرد مختار را به عنوان هسته اولیه ی قیام گرفتند و با شعارهایی نظیر دعوت به کتاب خدا و سنت رسول الله و گرفتن انتقام اهل بیت، شیعیان را به طرفداری از خود جلب کرد. مختار شهر کوفه را به عنوان مرکز قیام انتخاب کرد. اما سختگیری های مختار در قصاص و تعقیب قاتلان حسین بن علی (ع) و نیز دل نگرانی های اشراف کوفه از خیزش موالی و ایرانیان در سپاه مختار در نهایت باعث شکست و کشته شدن مختار شد. (یعقوبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۰۹).

نتیجه گیری:

یکی از مسائل مهمی که در قرن اول هجری قمری رخ داد، شهادت امام حسین (ع) بود. بعد از آنکه یزید بن معاویه به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد، موجی از اعتراضات و مخالفت ها شروع شد. امام حسین (ع)، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر از سردمداران مخالفان یزید بن معاویه بودند. مردم کوفه که در دوران معاویه بن ابی سفیان در تنگنا بودند از امام حسین (ع) درخواست کردند که به کوفه بیاید و امام دعوت آنان را اجابت نمود و به سمت کوفه حرکت نمود ولی در دشت کربلا توسط سپاهیان یزید به شهادت رسید. بعد از شهادت امام مردم کوفه که خود را مقصر در واقعه کربلا می دانستند خود را توابع نامیدند و عاملین اموی را از حکومت

برکنار کردند. توابین تحت فرماندهی سلیمان بن سرد خزاعی در عین الورده با لشکر امویان به جنگ پرداختند بعد از چندی تمام توابین به شهادت رسیدند. مردم مدینه بعد از شنیدن خبر شهادت امام حسین عامل یزید را برکنار کردند، یزید بن معاویه لشکری را برای سرکوب مردم مدینه فرستاد، لشکر امویان مردم مدینه را به قتل رساندند و بعد از آن به سمت مکه حرکت کردند که زیریان را سرکوب کنند، ولی با شنیدن خبر مرگ یزید بن معاویه لشکر امویان عقب نشینی کردند. در حد فاصله مرگ یزید بن معاویه تا روی کار آمدن خاندان مروان مختار ثقفی در کوفه دست به قیام زد و تمام کسانی که در دشت کربلا به نوعی مشارکت داشتند را به قتل رساند. مختار به دلیل استفاده از نیروی موالی در سپاه خود که موجب خشم اشرافیت کوفه شده بود قیام وی خیلی زود از بین رفت.

منابع

- ابن اثیر ، عز الدین ، تاریخ کامل ، بوگردان حمید رضا آذیر ، ج ۳، ج ۵، ج ۸، تهران : اساطیر ، ۱۳۸۴
- ابن اعثم کوفی ، محمد بن علی ، الفتوح ، مترجم ، محمد ابن مستوفی هروی ، تصیح ، غلام رضا طباطبایی مجد، ج ۵، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، ۱۳۸۰
- ابن شهر آشوب ، محمد ابن علی ، مناقب آل طالب ، به کوشش محمد حسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی ، قم ، انتشارات علام ، بی تا
- ابن طقطقی ، محمد بن علی بن طباطبا ، تاریخ فخری ، ترجمه محمد وحید گلیایگانی ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۷
- ابن مسکویه ، تجارب الامم، حقه و قدم له الدكتور ابوالقاسم امامی، الجزء الثاني، دار سروش، تهران ، ۱۳۶۶
- اصفهانى ، ابوالفرح ، مقاتل الطالبین ، ترجمه ، سید هاشم رسول محلاتی ، ج ۱، تهران ، نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ اول، ۱۳۸۰
- بغدادی ، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد بن عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه ، ۱۳۶۷
- بلاذری ، احمد بن یحیی ، فتوح البلدان ، ج ۲، ج ۵، ترجمه ی آذر تاش آذرنوش، انتشارات سروش، ۱۳۶۴
- بلاذری ، احمد، جمل من انساب الاشراف، ج ۱، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی ، بیروت، موسسه الاعلی المطبوعات ، ۱۳۷۴
- پلا، شارل ، الجاحظ فی البصره ، ترجمه ابراهیم الیکانی ، ج اول، دمشق ، دارالفکر الطباعة و النشر، ۱۳۶۳
- الحموی ، یاقوت، معجم البلدان، بیروت ، داراحیاء التراث العربی ، ۱۳۵۷

خلدون ، عبدالرحمن ، مقدمه ابن خلدون ، ج ۱، مترجم محمد پروین گنابادی ، نشر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۹۱

الخيرو ، عبد الوهاب، اداره العراق صدرالاسلام، بغداد، ۱۳۵۷

دینوری ، ابو حنیفه ، اخبار الطوال ، ترجمه محمود مهدوی دامغانی ، ج ۲، نشر نی ، تهران ، ۱۳۶۶

شریف قریشی، باقر ، حیاة الامام الحسین(ع) ، چ اول، نجف، مطبعة الآداب ، ۱۳۵۱

شیخ مفید ، ارشاد، تحقیق موسسه آلا لبيت(ع) چ دوم ، بیروت ، دار المفید، ۱۳۸۹

طبری ، محمد بن جریر ، تاریخ طبری ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، مجموع جلدها ، تهران ، نشر اساطیر ، تهران، ۱۳۶۲

عباسی ، علی اکبر ، کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران ، انتشارات هزاره ققنوس ، ۱۳۹۸

کمبریج ، تاریخ ایران اسلام تا سلاجقه، ج ۴، دانشگاه کمبریج، گردآورنده ، حسن انوشه ، امیر کبیر ، ۱۳۶۳

مجلسی، محمد باقر، جاراالنوار، چ دوم ، بیروت ،موسسه الوفاء ۱۴۰۰

مسعودی ، ابو الحسن علی بن حسین ، مروج الذهب ج ۲، ج ۳ترجمه ی ابو القاسم پاینده ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۰

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی ، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر ، قلم دار الهجرة ، ج ۲، ۱۳۶۶

منصورى ، نزار، البصره فى بصره الامام الحسین (ع)، چاپ اول ، قم، المطبعة القلم، ۱۳۷۸

یعقوبی ،احمد بن ابی یعقوب ، تاریخ یعقوبی ، ج ۳، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی ، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶